

گفتمان شهید مزاری و صلح پایدار در افغانستان



□ علی رضا شریفی

چکیده

بنیاد اندیشه

گفتمان، مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی و غیرزبانی است که در کنار یک نشانه مرکزی در یک زنجیره هم‌ارزی قرار گرفته و به صورت موقت مفاهیم و مدل‌های آن‌ها تثبیت می‌شود که نتیجه آن هژمونی و استیلا بر ذهنیت اکثر مردم است. دال‌ها و نشانه‌های گفتمان شهید مزاری عبارت‌اند از: «تعیین سرنوشت»، «وحدت ملی»، «مقاومت»، «هزاره» و «شیعه» که در کنار دال مرکزی «عدالت» مفصل‌بندی شده است. این گفتمان، گفتمان‌های رقیب را به حاشیه رانده و گفتمان غالب در میان مخاطبین خود بوده است.

در مورد صلح و صلح‌سازی، دو پارادایم وجود دارد: پارادایم دولت‌محور و پارادایم جامعه‌محور. در پارادایم دولت‌محور دولت‌سازی مساوی با صلح‌سازی است. امنیت انسانی در ارتباط مستقیم با امنیت ملی و بین‌المللی قرار دارد. در پارادایم جامعه‌محور، اما صلح‌سازی از پایین به بالا بوده و امنیت انسانی دارای اهمیت زیاد است که تحت سه عنوان «رهایی از ترس»، «رهایی از نیاز» و «رهایی از تحقیر» و در نبود هفت نوع تهدید، طبقه‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: تهدید اقتصادی، تهدید غذایی، تهدید بهداشتی، تهدید محیطی، تهدید شخصی، تهدید اجتماعی و تهدید سیاسی.

صلح پایدار، در گفتمان شهید مزاری، صلح عادلانه است که با گفتمان جامعه‌محور، هم‌خوانی دارد. در صلح عادلانه حقوق و مشارکت عادلانه تمام اقوام در تمام سطوح تصمیم‌گیری و برخورداری آن‌ها از حقوق و امتیازات مادی و معنوی می‌تواند زمینه صلح پایدار در کشور فراهم کند.

واژگان کلیدی: افغانستان، صلح، صلح‌سازی، صلح پایدار، گفتمان، شهید مزاری، دولت‌سازی

پیشگفتار

بحث صلح یا «صلح‌سازی»، یکی از موضوع‌های جدی و اساسی در کشورهای درگیر جنگ یا پساامنایه است. نظریه‌های مختلف در مورد صلح‌سازی ارائه شده و روش‌های متفاوتی نیز برای تحقق عملی صلح به کار گرفته شده است. در مورد صلح به صورت کلی دو پارادایم وجود دارد: یک، پارادایم سیاسی یا دولت‌محور که ایجاد صلح را با ایجاد «دولت-ملت» یا از بالا به پایین دنبال می‌کند. دو، پارادایم جامعه‌محور یا از پایین به بالا که ایجاد صلح را از طریق اقدام‌های اساسی در سطح جامعه و گروه‌ها دنبال می‌کند. از طرف دیگر، در درون جامعه متکثر افغانستان انواع گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌ها وجود دارد که ما گفتمان شهید مزاری را انتخاب کرده‌ایم؛ بنابراین، تحقیق حاضر در چهار بخش تنظیم شده است: ابتدا نظریه گفتمان و گفتمان شهید مزاری و دال‌های و نشانه‌های که در آن مفصل‌بندی شده است را به صورت خلاصه توضیح خواهیم داد. در قسمت دوم، مفهوم، اهمیت و دو پارادایم صلح‌سازی را توضیح خواهیم داد. در قسمت سوم، صلح‌سازی را در گفتمان شهید مزاری توضیح خواهیم داد؛ و در آخر هم نتیجه‌گیری و پیشنهاد‌های لازم ارائه خواهد شد.

۱. گفتمان شهید مزاری

۱.۱. نظریه تحلیل گفتمان: تعریف و مفاهیم کلیدی

نظریه گفتمان یکی از چارچوب‌های نظری مناسب در عرصه علوم اجتماعی است که قابلیت توضیحی زیادی دارد. نظریه گفتمان، از اعضای خانواده‌ی نظریه‌های پست‌مدرن است.

(حقیقت، ۱۳۷۹: ۴۵۶) مهم‌ترین نظریه گفتمان که مورد پذیرش اکثریت اندیشمندان قرار گرفته است، گفتمان لاکلا و موف^۲ است. لاکلا و موف در کتاب هژمونی و راهبرد سوسیالیستی (۱۹۸۵) نظریه گفتمان خود را ارائه کردند.

گفتمان از دیدگاه لاکلا و موف عبارت است از این‌که:

«معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که این‌ها خود بخشی از آن هستند، می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی [که در آن قرار دارد]، باید شناخت. پس اگر بتوانیم عمل را و گفتمانی را که عمل در آن واقع می‌شود توصیف کنیم، می‌توانیم فرآیندی را درک، تبیین و ارزیابی کنیم. مثلاً، عمل گذاشتن علامت ضربدر بر روی کاغذ و انداختن آن در جعبه - عمل رأی دادن در انتخابات - تنها در نظام مقررات، فرآیندها و نهادهایی که آن را لیبرال دمکرات می‌نامیم معنا می‌یابد. بنابراین، رأی دادن فقط با توجه به اعمال و پدیده‌های دیگری که رأی دادن بخشی از آن‌هاست، اهمیت می‌یابد» (هوارث، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

با توجه به این تعریف از گفتمان، مفاهیم کلیدی نظریه گفتمان عبارت‌اند از:

۱. مفصل‌بندی^۳: (Laclau & Mouffe, ۱۰۵: ۲۰۰۱)؛

۲. عناصر^۴: ibid: ۱۰۵؛

۳. لحظه‌ها^۵: ibid: ۱۰۵؛

۴. انسداد و توقف^۶: ت (ibid: ۱۰۷)؛

۵. دال مرکزی^۷: (ibid: ۱۱۲)؛

۶. حوزه گفتمانگی^۸: حسینی زاده، ص ۱۹۰؛

۱. . E. Laclau

۲. . C. Mouffe

۳. . Articulation.

۴. . Elements.

۵. . Moments.

۶. . closure.

۷. . Nodal point.

۸. . field of discursivity

۷. امکان و تضاد^۱: (حسینی زاده: ۱۹)؛

۸. منازعه و خصومت^۲: (حسینی زاده: ۱۹۱)؛

۹. زنجیره هم ارزی و تفاوت^۳: (حسینی زاده: ۱۹۱)؛

۱۰. هویت^۴: (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۰؛ حسینی زاده: ۱۹۲)؛
هژمونی^۵: (همان: ۱۹۴).

۲.۱. گفتمان مزاری: نشانه‌ها

گفتمان مزاری مجموعه‌ای دال‌ها و نشانه‌های است که بر محوریت «عدالت اجتماعی» شکل گرفته است. دال‌های پیرامونی گفتمان مزاری عبارت‌اند از: «حق تعیین سرنوشت»، «مقاومت برای احقاق حق»، «هزاره (به عنوان سمبل بی‌عدالتی)»، «رسمیت مذهب شیعه»، «وحدت ملی»

۱.۲.۱. عدالت اجتماعی

«عدالت اجتماعی» که دال مرکزی را در گفتمان مزاری تشکیل می‌دهد، هم معطوف به گذشته است و هم معطوف به زمان حاضر؛ از دیدگاه مزاری تاریخ گذشته افغانستان مملو است از ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی. او با طرح این سؤال به یک واقعیت تاریخی اشاره می‌کند و آن را به چالش می‌کشد: «زمانی که عبدالرحمن تصمیم گرفت که حکومت مرکزی را به وجود بیاورد، همه حکومت‌های محلی با این مسئله مخالفت کردند: از شمالش مخالفت کردند، از جنوبش ۱۳۹۴ مخالفت کردند از غربش مخالفت کردند و از شرقش مخالفت کردند؛ ولی چرا تنها ۶۲٪ مردم ما را از بین بردند؟ چرا؟» (مزاری، ۱۳۷۴: ص ۵۱). در مورد تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های اداری می‌گوید:

«اگر جمعیت افغانستان را بیست و یک میلیون حساب کنیم و ثلث آن که هفت میلیون می‌شود متعلق به ما است؛ اما با همین هفت میلیون یک ولایت به نام، به دست هزاره

نیست... این در کجای عدالت است؟ در کجای قانون است؟» (همان: ص ۴۰).

شهید مزاری معتقد است اگر این معضل در افغانستان حل نشود و اقلیت‌ها همچنان در محرومیت و تبعیض ننگه داشته شود، مشکل افغانستان هیچ‌وقت حل نخواهد شد. (همان: ص ۳۳).

در اینجا است که شعار اساسی و چکیده گفتمان مزاری این است:

«لهدا حرفی را که در اینجا خدمت شما عزیزان تذکر بدهم این است که از راه مذاکره سیاسی با گروه‌ها می‌نشینیم، حقوق ملت خود را خواهیم و عدالت اجتماعی را در جامعه می‌خواهیم و انحصارطلبی را نفی می‌کنیم. هر کس که باشد» (همان: ص ۷۸).

۲.۲.۱. تعیین سرنوشت

یکی از دال‌هایی که در زنجیره دال‌های گفتمان مزاری قرار دارد و در ارتباط با دال مرکزی عدالت معنی پیدا می‌کند، دال «حق تعیین سرنوشت» است. مفهوم و مدلول که مزاری به این دال می‌دهد، این است که افراد ساکن در افغانستان از هر نژاد، مذهب و زبانی که باشد، باید در تعیین سرنوشت خود سهیم باشند. هیچ‌کس یا کسانی نباید به بهانه‌هایی مثل نژاد، زبان و مذهب حقوق‌شان انکار شده، از دخالت در تعیین سرنوشت خود محروم شود. مفهوم که به این دال داده می‌شود در ارتباط مستقیم با عدالت اجتماعی است.

«اینجا برای شما واضح می‌گویم [که] در افغانستان، دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان، برادری ملیت‌ها مطرح است. حقوق ملیت‌ها، یعنی برادری ملیت‌ها» (همان).

شهید مزاری در مورد حق تعیین سرنوشت موضع خویش

۱. . contingency

۲. . Antagonism.

۳. . Chain of equivalence and differences

۴. . Identity.

۵. . Hegemony

را چنین قاطعانه اعلام می‌کند: «باید این مردم محروم حق زندگی کردن، حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند و خواهند داشت. روی این مسئله می‌ایستیم، پافشاری می‌کنیم» (همان: ص ۲۱).

۳.۲.۱. مقاومت

دال دیگری که در گفتمان مزاری بر محور دال مرکزی «عدالت اجتماعی» معنی پیدا می‌کند، «مقاومت برای احقاق حق» است. این دال، در زنجیره گفتمان مزاری، معنی خاص دارد که در گفتار و کردار خود به آن پایبند بوده است. مقاومت و پایداری در میان ارزش‌های شیعی از جایگاه رفیع و بلندی برخوردار است. مهم‌ترین مظهر مقاومت و پایداری در برابر ظلم و فساد، امام سوم شیعیان، حسین بن علی (ع) است. مزاری معتقد بود که بعد از نشست اسلام‌آباد و تشکیل دولت موقت، موجودیت شیعیان و هزاره‌ها به کلی انکار شد. بنابراین تنها راه، از دیدگاه مزاری «مقاومت برای احقاق حق» بود. از دیدگاه مزاری نشست اسلام‌آباد مقدمه‌ای بود برای نادیده گرفتن شیعیان و هزاره‌ها:

ولی وقتی که این برادران جهادی ما آمدند، در پیشاور نشستند و اعلام کردند که ما برای این‌ها حق قائل نیستیم و این‌ها در افغانستان موجودیت ندارند، ما تکان خوردیم که حالا موجودیت ما در خطر است؛ کسی که موجودیتش در خطر باشد، قبل از هر چیزی از موجودیت خود دفاع کند، بعد از آن نوبت می‌رسد به اینکه چگونه زندگی کردن و چگونه تصمیم گرفتن خود را مطرح کند و آنگاه برسد به این‌که چگونه نظام را حاکم بسازد» (همان: ص ۱۷۱).

۴.۲.۱. هزاره

سومین دال که در اطراف دال مرکزی عدالت در گفتمان مزاری مفصل‌بندی شده و معنی می‌یابد، دال «هزاره» است. از دیدگاه مزاری «هزاره» سبب بی‌عدالتی، تبعیض و محرومیت بوده و بارها برای محو کامل آنان اقداماتی صورت گرفته است: «ما در طول تاریخ افغانستان، سه چهار بار قتل عام عمومی شده‌ایم که در دوران عبدالرحمان ۶۵٪ مردم ما از بین

رفت» (همان: ص ۳۹). بنابراین، اگر کسانی در این کشور در یک برهه‌ای از زمان حدود ۶۰ تا ۶۵ درصدشان از بین رفته است و الآن با تشکیل حکومت اسلامی، آنان همچنان نادیده گرفته می‌شود، اولین گام برای آنان، اثبات موجودیت است. از دیدگاه شهید مزاری تنها مردم که مورد بی‌مهری و تبعیض مضاعف قرار گرفته است، «هزاره‌ها» هستند.

بنابراین دال «هزاره» در گفتمان مزاری دارای کارکرد بسیار مهم و بار معنایی مثبت است. در اینجا دال «هزاره» عاملی می‌شود برای انسجام، خودباوری و اعتماد به نفس کسانی که در طول تاریخ همواره در تبعیض و تهدید زندگی کرده‌اند: «این مسئله که ما طی سه صد سال محکوم بودیم، در تاریخ افغانستان محوشده بودیم و کسی ما را با هویت هزاره قبول نداشت و هزاره گفتن و هزاره بودن در این مملکت به زعم بعضی‌ها ننگ بود، امروز الحمدلله از بین رفته» (همان: ص ۲۵).

۵.۲.۱. شیعه

پنجمین دال موجود در گفتمان شهید مزاری دال «مذهب شیعه» است. عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند که نباید عده‌ای به دلیل داشتن مذهب متفاوت از دیگران، با تبعیض و محرومیت مواجه شود. شهید مزاری خواسته‌های اساسی خود را چنین بیان می‌کند: «ما عاشق قیافه کسی نیستیم، سه چیز در این مملکت، در آینده می‌خواهیم: یکی رسمیت مذهب ما؛ دیگر این‌که تشکیلات گذشته ظالمانه بوده و باید تغییر کند. سوم این‌که شیعه، در تصمیم‌گیری شریک باشد» (همان: ص ۷۵).

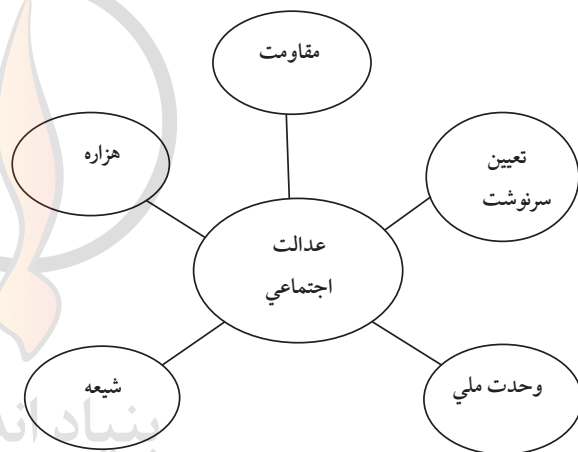
۶.۲.۱. وحدت ملی

دال دیگری که در گفتمان مزاری وجود دارد «وحدت ملی» است. این دال نیز در ارتباط با دال مرکزی «عدالت اجتماعی» معنی پیدا می‌کند. از نظر شهید مزاری وحدت ملی، زمانی محقق می‌شود که عدالت، رعایت شده و همگان در سرنوشت خود سهیم باشد. «ما با همه تنظیم‌ها سرچنگ نداریم، دوست هستیم، با همه ملیت‌ها سردشمنی نداریم

و دوست هستیم و وحدت ملی را، ما در افغانستان، یک اصل می‌دانیم» (همان: ۱۴۶). شهید مزاری در تفسیر وحدت ملی می‌گوید:

«ما معتقد هستیم، در اینجا، مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب، همدیگر را تحمل نکنند، در صدد حذف یکدیگر نباشند. چه از نگاه اقوام چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب» (همان: ص ۱۴۷).

گفتمان مزاری با دال مرکزی «عدالت اجتماعی» و دال‌های مهم دیگر، از قبیل «حق تعیین سرنوشت»، «مقاومت»، «هزاره»، «شیعه» و «وحدت ملی» گفتمانی مسلطی را در دوران خود به جود آورد و نسبت به گفتمان رقیب در درون جامعه هزاره، مقبولیت بیشتری یافت.



نمودار ۲. مفصل‌بندی دال‌ها در گفتمان مزاری

۲. صلح پایدار

۲.۱. مفهوم صلح

صلح، مثل سایر مفاهیم علوم اجتماعی مفهوم پیچیده، چندبعدی و در ارتباط مفهومی تنگاتنگ با دیگر مفاهیم، از جمله، «امنیت»^۱، «امنیت انسانی»^۲، «امنیت ملی»^۳، «امنیت بین‌المللی»^۴، «اعمار/ ایجاد صلح»^۵، «دولت سازی»^۶، «دموکراسی سازی»^۷ (Jarstad and Sisk, ۲۰۰۸)، «توسعه»^۸، «نوسازی»^۹، «صلح پایدار»^{۱۰} است. به عبارت دیگر صلح یک مفهوم بینا-رشته‌ای است که در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی، مورد بحث قرار می‌گیرد و هر کدام از این رشته‌ها با رویکرد و زاویه دید خاص خود، به مسئله صلح می‌پردازد. با توجه به همین ابعاد گوناگون صلح است که برای آن بیش از ده معنی ذکر کرده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: صص ۶۲۰۷).

در محدوده واحد سیاسی به نام «دولت- ملت»، می‌توان برای صلح، از لحاظ دامنه، تعریف حداقلی یا حداکثری و از لحاظ محتوا، تعریف منفی یا مثبت را ارائه کرد. منظور از منفی و مثبت قضاوت ارزشی به معنی خوب بودن یا بود بودن نیست، بلکه به معنی وجود یا عدم وجود عناصر مشخص در درون و محتوای صلح است.

در تعریف حداقلی و منفی، مراد از صلح، نبود نزاع، جنگ و خشونت، خصوصاً خشونت فیزیکی است. بنابراین، صلح عبارت است از نبود جنگ به معنای خشونت دسته‌جمعی سازمان یافته و مسلحانه مبنی بر به‌کارگیری مستقیم نیروی نظامی فیزیکی (Kelman, ۱۹۸۱: ۱۰۳). در این تعریف، مراد از خشونت، خشونت فیزیکی نظامی است؛ اما اگر خشونت را به

۱. . security
۲. . Human security
۳. . International Security.
۴. . National Security
۵. . peacebuilding
۶. . State Building
۷. . Democratization
۸. . Development
۹. . Modernization
۱۰. . Durable Peace

معنی عام‌تر و «هرگونه سیاست، وضعیت، ایستار و نگرش و اقدام و رفتار فیزیکی، احساسی و عاطفی، کلامی، نهادی، ساختاری یا روحی روانی که باعث نقصان، تخریب و سلطه بر دیگران می‌شود» (دهقانی فیروزآبادی: ۶۳) بگیریم، قطعاً معنی صلح، نبود خشونت به معنی عام خواهد بود.

در تعریف حداکثری و مثبت، صلح فقط به معنی نبود خشونت، آن هم خشونت فیزیکی نیست، بلکه صلح به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن علاوه بر نبود خشونت فیزیکی، شرایط مادی، معنوی، ساختاری و قانونی برای یک زندگی شرافتمندانه و مسالمت‌آمیز فراهم باشد. در این معنی صرفاً نبود جنگ، به معنی وجود صلح نیست. قوانین عادلانه، توزیع عادلانه، مشارکت عادلانه، دسترسی به حداقل امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی از لوازم صلح به شمار می‌رود. پس می‌توان گفت که صلح در مفهوم مثبت و حداکثری رابطه مستقیم با «عدالت اجتماعی»^۱ دارد. «صلح به این معنا افزون بر نبود نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نهفته در ساختارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، متضمن و مستلزم وجود نهادها و ساختارهای است که عدالت را تأمین و تضمین می‌کند» (دهقانی فیروزآبادی: ۶۵؛ به نقل از اشمیت و گالتون). هم‌چنین صلح به معنی مثبت و حداکثری رابطه مستقیم با «امنیت انسانی»^۲ دارد. امنیت انسانی، چنان‌که در «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» (UNDP)^۳ در سال ۱۹۹۴ اعلام شده است، تحت سه عنوان «آزادی از ترس»^۴ و «آزادی از نیاز»^۵ و «آزادی از تحقیر»^۶ تدوین شده و امنیت انسانی را در نبود یا رهایی از هفت مجموعه یا گروه از تهدیدها می‌داند که عبارت‌اند از: تهدید اقتصادی، تهدید غذایی، تهدید بهداشتی، تهدید محیطی، تهدید شخصی، تهدید اجتماعی

و تهدید سیاسی (UNDP, ۱۹۹۴: ۲۴-۳۲).

طبیعی است که نبود هرکدام از این تهدیدها، موجب امنیت انسان‌ها در جامعه می‌شود. داشتن شغل و درآمد کافی موجب امنیت اقتصادی انسان‌هاست و صلح پایدار، زمانی در جامعه ایجاد می‌شود که انسان‌ها بتوانند شغل و کار داشته باشند. دسترسی به غذا موجب امنیت غذایی و نبود آن به کسب و کار و یا نابودی انسان‌ها منجر می‌شود. دسترسی به امکانات و مراکز بهداشتی، دکتر، دارو... خود جنبه مهم از امنیت انسان‌ها به شمار می‌رود. امنیت شخصی، نبود ترور و آزار و اذیت جنبه مهم دیگری از امنیت انسان‌هاست. نبود تهدید برای یک گروه خاص، به خصوص اقلیت‌ها و برخورداری آن‌ها از تمام حقوق برابر با دیگران، جنبه مهم دیگر از امنیت انسانی است؛ و در نهایت نبود تهدید سیاسی، وجود حکومت مقتدر، نهادهای مستحکم، تصویب و اجرایی قوانین، مصون بودن شهروندان از تعرض حاکمان یا گروه‌های خودسر، جنبه سیاسی امنیت انسانی می‌شود (Frantzell ۲۰۱۱: ۱۰).

مفهوم دیگری که در ارتباط تنگاتنگ با واژه صلح قرار دارد، مفهوم «اعمار/ایجاد صلح»^۷ است. اعمار صلح را چنین تعریف کرده‌اند: «اعمار صلح یک واژه انعطاف‌پذیر است که طیف گسترده‌ای از اقدامات را شامل می‌شود که توسط عوامل مختلف از جمله حکومت، جامعه مدنی و گروه‌ها، در سطوح ملی و بین‌المللی برای رفع آثار فوری و از بین بردن ریشه‌های نزاع در طول و بعد از نزاع و کشمکش، انجام می‌شود. اعمار صلح به صورت کلی از امنیت انسانی حمایت می‌کند که این امنیت شامل رهایی از ترس، رهایی از نیازها و رهایی از توهین/تحقیر^۸ می‌شود»

۱ . Social Justice

۲ . Human security.

۳ . The United Nations Development Programmed (UNDP).

۴ . Freedom of fear.

۵ . Freedom of Want.

۶ . Freedom of Humiliation

۷ . Peacebuilding.

۸ . Humiliation.

allianceforpeacebuliding.org) به نقل از: Schirch (۲۰۱۳: ۷-۸).

چنان‌که در این تعریف به خوبی مشاهده می‌شود، اعمار صلح نیز دارای معنی حداکثری و مثبت بوده و رابطه نزدیک با «امنیت انسانی» دارد که شامل سه مجموعه، یعنی «رهایی از ترس»، «رهایی از نیاز» و «رهایی از تحقیر و توهین» (حفظ کرامت انسانی) می‌شود.

۲.۲. اهمیت صلح

اگر جنگ و نزاع همزاد بشر بوده، بدون شک صلح گمشده بشر در طول تاریخ بوده است. هیچ آیین، مذهب، مکتب، فلسفه و تفکر بشری نبوده مگر این که در مورد صلح آموزه‌های مهمی را بیان کرده است. در ادیان ابراهیمی و کتاب‌های مقدس تورات، انجیل و قرآن تأکید فراوانی روی صلح صورت گرفته است (شریفی / لکزایی، ۱۳۹۵).

از دوران باستان تا دوران مدرن، صلح همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان بوده؛ اما از دهه ۱۹۶۰ میلادی، در عرصه آکادمیک، مطالعاتی زیادی در مورد صلح انجام شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۶۰). امروز در سراسر جهان صدها نهاد و سازمان‌های بین‌المللی دولتی (IGO) و غیردولتی (NGO) برای اعمار صلح تلاش می‌کند. به عنوان نمونه، ۲۲ سازمان غیردولتی عمده در راستایی صلح و اعمار صلح ۱۳۹۴ فعالیت دارند که هر کدام صدها سازمان و نهادهای کوچک‌تر را تحت پوشش قرار داده و فعالیت‌های آن‌ها را هماهنگ می‌کند (raptim.org). به صورت کلی در مورد اهمیت صلح و اعمار صلح در دنیای کنونی، می‌توان گفت که:

- حدود یک چهارم جمعیت جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که از نزاع و خشونت متأثرند.
- امروز، بیش از ۶۸ میلیون انسان مجبور شده‌اند که در اثر جنگ و خشونت خانه‌های خود را ترک کنند.

- این آمار حتی بالاتر از زمان جنگ جهانی دوم است.
- ۸۰ درصد کمک‌های انسانی در نزاع‌ها و جنگ‌ها مصرف می‌شود.
- پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، نصف فقیرترین جمعیت جهان در کشورهای زندگی کند که درگیر جنگ و کمکش هستند (c-r.org).

۳.۲. پارادایم‌های صلح

در مورد صلح یا صلح‌سازی و اعمار صلح، دو پارادایم^۳ کلی وجود دارد: پارادایم دولت‌محور و پارادایم جامعه‌محور. در پارادایم «دولت-ملت» محور، صلح و امنیت در ارتباط مستقیم با دولت قرار دارد و صلح‌سازی ارتباط نزدیک با «دولت‌سازی»^۴ دارد؛ اما در پارادایم جامعه‌محور، محور اصلی، جامعه و امنیت انسانی است. نقطه آغاز این تغییر پارادایمی، انتشار برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در سال ۱۹۹۴ می‌باشد (Frantzell: ۱۰)؛ بنابراین شروع پارادایم دولت‌محور انقلاب فرانسه و شروع پارادایم جامعه‌محور ۱۹۹۴ می‌باشد (Glasus ۲۰۰۸: ۳۱).

۱.۳.۲. صلح و امنیت دولت‌محور

با قرارداد ویستفالیای در سال ۱۶۴۸، دولت-ملت متولد شد، با انقلاب فرانسه ملی‌گرایی به وجود آمد و با جنگ‌های ناپلئونی، در سراسر اروپا گسترش یافت. با قرارداد وین در سال ۱۸۱۵ دولت ملت با رنگ و بوی ملی‌گرایی به تنها بازیگر عرصه بین‌الملل تبدیل شد (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۱). این پدیده، پیامده زیادی برای مفاهیم دیگر از جمله صلح، امنیت، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و دولت‌سازی داشت. با ظهور و تسلط مکتب واقع‌گرایی بعد از جنگ جهانی اول، امنیت مهم‌ترین مسئله‌ای بود که همه در جستجوی آن بودند، طوری که یک عده مطالعات روابط بین‌الملل را مرادف

۱. Intergovernmental Organizations.

۲. Non-Governmental Organizations.

۳. Paradigm.

۴. State Building.

باج‌دهی به مناطق ناامن را داشته تا آن‌ها را تشویق به صلح و امنیت نماید (Applebaum, ۲۰۰۸).

۲.۳.۲. صلح و امنیت جامعه محور

با اعلام برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در سال ۱۹۹۴ یک تغییر پارادایمی مهم برای صلح و امنیت به وجود آمد. در این پارادایم، امنیت از مفهوم «نبود صرفاً تهدید نظامی» خارج شده و شامل «امنیت غذایی»، «اقتصادی»، «بهداشتی»، «آموزشی»، «اجتماعی» و... شده است. «امنیت انسانی» از امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به کلی تفکیک شده است. چه بسا حتی کشورهای توسعه یافته که در آن‌ها امنیت ملی و بین‌المللی تأمین است، انسان‌ها، خصوصاً گروه‌های حاشیه‌ای دارای امنیت انسانی نمی‌باشند (Frantzell: ۴۱). در کشورهای توسعه نیافته و در مناطق درگیر جنگ، پروژه دولت سازی نه تنها به امنیت انسانی منجر نشده بلکه ناامنی را بیشتر کرده است. در بسا موارد گروه‌های خاص اجتماعی توسط دولت‌های ساخته شده جدید، بیشتر از قبل مورد تهدید، تبعیض و ناامنی بوده است. به صورت کلی دلایل ذیل در این تغییر پارادایمی نقش داشته است.

۱. امنیت ملی و بین‌المللی، به امنیت انسانی نینجامیده است (Futamura, Newman & Tadjbakhsh, ۲۰۱۰).
 ۲. پروژه دولت سازی به صلح و امنیت بیشتر انسان‌ها در مناطق درگیر جنگ منجر نشده است.
 ۳. کمک‌های بین‌المللی به جای بالا بردن رفاه مردم، در خدمت اهداف نظامی سیاسی و قرار گرفته و نه تنها به صلح نینجامیده که زمینه نوعی باج‌خواهی و ناامنی بیشتر را فراهم کرده است (Frantzell: ۴۱).
 ۴. پروژه اعمار صلح، از پروژه دولت سازی و دموکراسی سازی متفاوت بوده و برنامه‌ها، کارگزاران و سطوح متفاوتی را می‌طلبد (Schirch, ۲۰۱۳).
- با توجه به این عوامل و عوامل دیگر، در پارادایم

مطالعه امنیت قلمداد کرده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ج ۲: ۳). بر اساس این پارادایم، صلح و تأمین امنیت فقط از طریق ساختن یک دولت-ملت مقتدر و مسئول امکان پذیر است.

بعد از فروپاشی شوروی سابق و از بین رفتن نظام دوقطبی، مفهوم دیگر نیز به مفاهیم فوق افزوده شد و آن مفهوم «دموکراسی سازی» بود؛ یعنی برای تأمین امنیت جهانی، صرفاً وجود «دولت-ملت» یا آن طوری که واقع‌گرایانی چون ایچ کار، و مورگنتا (Morgenthau, ۱۹۸۴) می‌گفتند واحدهای سیاسی چون توب بیلارد، کافی نبود، بلکه این واحدهای سیاسی باید دموکراتیک نیز می‌بودند. به همین دلیل عده‌ای از سه تا چهار موج دموکراسی نام برده است (Huntington, ۱۹۹۱). به صورت خلاصه پارادایم دولت محور دارای خصوصیات ذیل هستند:

۱. در این پارادایم، مراد از صلح، صلح ملی و بین‌المللی است که در داخل توسط دولت-ملت و آزادی در قانون‌گذاری و در عرصه بین‌المللی از طریق استقلال و موازنه قوا میان دولت-ملت‌های مستقل تأمین می‌شود. (شریفی: ۳۶)
۲. امنیت انسانی، تحت الشعاع امنیت ملی و بین‌المللی بوده و به صورت جداگانه موضوعیت ندارد (Futamura, Newman & Tadjbakhsh, ۲۰۱۰).
۳. تنها راه ایجاد صلح، ساختن یک دولت است (دولت‌سازی) (Persson, ۲۰۱۲) و اگر این دولت دموکراتیک هم باشد (دموکراسی‌سازی) برای تأمین صلح مناسب تر خواهد بود (Huntington, ۱۹۹۱).
۴. کمک‌های جهانی از بالا به پایین بوده و هدف آن بیشتر ساختن نهادهای حکومتی و دولتی، خصوصاً نظامی است (Frantzell: ۴۱).
۵. کمک‌های انسانی^۲ بیشتر در خدمت اهداف نظامی بوده و در مناطقی سرازیر می‌شده که محل درگیری بیشتر بوده است. در واقع کمک‌های بین‌المللی بیشتر حالت

۱. Democratization

۲. Top-down.

۳. Humanitarian Assurances

جامعه محور، صلح و امنیت بدون عدالت اجتماعی، تأمین نیازها و حقوق اساسی تمام انسان‌های ساکن در یک سرزمین، امکان پذیر نیست. امنیت انسانی، چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، محدود به نبود تهدید نظامی و خشونت فیزیکی نیست، بلکه شامل سه بخش یعنی «رهایی از ترس»، «رهایی از نیاز» و «رهایی از تحقیر» می‌شود. تا زمانی که این امور محقق نشود، صلح پایدار به وجود نخواهد آمد.

۳. صلح پایدار در گفتمان شهید مزاری

حال که صلح پایدار و گفتمان شهید مزاری را به صورت جداگانه معرفی کردیم، در این قسمت تلاش می‌کنیم، صلح پایدار را در گفتمان شهید مزاری دنبال کنیم؛ یعنی با توجه به گفتمان شهید مزاری و دال‌های مفصل‌بندی شده در آن، ببینیم که صلح پایدار در گفتمان شهید مزاری چگونه صلحی است. به عبارت تخصصی‌تر، اگر «عناصری» مثل «صلح»، «صلح پایدار»، «اعمار صلح»، «امنیت» و «امنیت انسانی» را از حوزه گفتمان‌نگی خارج و داخل زنجیره هم‌ارزی گفتمان شهید مزاری نماییم و آن‌ها را به «وقته» تبدیل کنیم، گفتمان مزاری چه مدلولی را به این دال‌ها/نشانه‌ها می‌دهد؟ در یک پاسخ کوتاه می‌توان گفت: که با توجه به گفتمان شهید مزاری، صلح مطلوب از نظرایشان همان است که در پارادایم ۱۳۹۴ جامعه محور بیان کردیم؛ یعنی صلحی که توأم با عدالت اجتماعی بوده و علاوه بر «رهایی از ترس» (نبود جنگ و خشونت فیزیکی)، شامل «رهایی از نیازها» و «رهایی از تحقیر» نیز بشود. در ذیل موضوع را با جزئیات بیشتر توضیح خواهیم داد.

صلح عادلانه

چنان‌که در گفتمان شهید مزاری بیان کردیم، دال مرکزی گفتمان شهید مزاری عدالت است. پس اگر صلح در گفتمان شهید مزاری معنی مناسب داشته باشد، بدون شک همان صلح عادلانه است. چنان‌که شهید مزاری تصریح می‌کند: «لهدا حرفی را که در اینجا خدمت شما عزیزان تذکر بدهم این است که... عدالت اجتماعی را در جامعه

می‌خواهیم و انحصارطلبی را نفی می‌کنیم. هر کس که باشد» (مزاری، ص ۷۸).

از نظری شهید مزاری یکی از دلایل عمده که تاکنون در افغانستان صلح پایدار، حاکم نشده است، وجود تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی بوده است. پس این می‌تواند یک دلیل محکم برد پارادایم صلح دولت محور باشد.

نمونه بارز صلح دولت محور از سال ۲۰۰۱ تاکنون است. علی‌رغم حضور و تلاش نیروهای بین‌المللی و هزینه میلیاردها دلار، هنوز صلح پایدار در کشور حاکم نگردیده و عده‌ای تلاش می‌نمایند که «فلک را سقف بشکافند و طرح نودر اندازند». پس ساختن و ایجاد دولت به صلح دائمی و پایدار منجر نمی‌شود، بلکه در کنار ساختن دولت، به عناصر دیگری باید توجه شود.

دال دیگری که در گفتمان شهید مزاری مفصل‌بندی شده «تعیین سرنوشت» است؛ یعنی صلحی در جامعه پایدار خواهد بود که همه افراد ساکن در یک کشور، در تعیین سرنوشت خود سهیم باشد. امروز یکی از مشکلات که در حکومت موجود وجود دارد، این است که این حکومت آئینه تمام‌نمایی حضور تمام اقوام ساکن در کشور نیست.

دال دیگری که در گفتمان شهید مزاری مفصل‌بندی شده است، وحدت ملی است. وحدت ملی به معنی برابری و برادری همه اقوام ساکن در کشور است و با تحمیل ارزش‌های یک قوم بر اقوام دیگر به دست نمی‌آید. وحدت ملی در سایه پذیرش تفاوت‌ها محقق می‌شود، نه تحمیل ارزش‌های یک گروه بر دیگران.

دال دیگری که در گفتمان مزاری مفصل‌بندی شده است، دال هزاره است. اینجا منظور از هزاره، برتری‌جویی قومی یا ملی‌گرایی منفی نیست، بلکه مطرح کردن هزاره به عنوان یک گروه قومی به حاشیه رانده شده، محروم و مورد تبعیض است (همان، ص: ۵۱). در دوران معاصر و با سقوط حکومت کمونیستی، دغدغه اصلی شهید مزاری شناسایی هزاره به عنوان یک گروه قومی ساکن در افغانستان بوده است (همان، ص: ۱۷۱).

در دوران پسا-بن و تشکیل نظام جدید هم متأسفانه این

محرومیت هزاره‌جات از کمک‌های بین‌المللی هجوم آن‌ها به شهرهای بزرگ از جمله پایتخت و بروز مشکلات شهری مثل ترافیک، آلودگی هوا، بیکاری، نبود امکانات شهری و... است. دومین پیامد، عدم شکل‌گیری وحدت ملی در کشور بوده است. سومین مشکل عدم ایجاد یک الگو برای بقیه اقوام کشور است. چون با استقبال هزاره‌ها از آموزش و حمایت از دموکراسی، اگر امکانات لازم در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت نمونه خوبی برای تحقق دموکراسی در کشور شکل می‌گرفت. چهارمین پیامد، عدم بازگشت هزاره‌های مهاجر از کشورهای ایران و پاکستان به کشور و مهاجرت بیشتر آن‌ها به کشورهای دیگر از جمله اروپا و استرالیا بوده است (ibid: ۴۴-۴۵).

این نمونه پژوهی، به خوبی نشان می‌دهد که دال هزاره در گفتمان مزاری دارای چه اهمیتی بوده و با نادیده گرفتن آن‌ها و دیگر اقوام، صلح پایدار در کشور به وجود نخواهد آمد.

۴. نتیجه‌گیری

نظریه گفتمان، به خصوص گفتمان لاکلا و موفه یکی از چهارچوب‌های نظری مناسب برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است. گفتمان شهید مزاری مجموعه‌ای از دال‌های است که در کنار دال مرکزی عدالت تشکیل شده است. این نشانه‌ها و دال‌ها عبارت‌اند از: تعیین سرنوشت، مقاومت، وحدت ملی، هزاره و شیعه.

در مورد صلح و صلح‌سازی دو پارادایم وجود دارد: پارادایم دولت‌محور و پارادایم جامعه‌محور. در پارادایم دولت‌محور دولت‌سازی مساوی با صلح‌سازی است. امنیت انسانی در ارتباط مستقیم با امنیت ملی و بین‌المللی قرار دارد. در پارادایم جامعه‌محور، آنچه مهم است امنیت انسانی است که تحت سه عنوان «رهایی از ترس»، «رهایی از نیاز» و «رهایی از تحقیر» و در نبود هفت نوع تهدید، طبقه‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: تهدید اقتصادی، تهدید غذایی، تهدید بهداشتی، تهدید

معضل همچنان باقی است. یک دانشجوی کارشناسی ارشد، به نام «آنیکا فرانتزل»^۱ در دانشگاه لاند^۲ سوئد برای «مطالعه موردی»^۳ هزاره‌های افغانستان انتخاب کرده است. عنوان تحقیقش هست: «امنیت انسانی، اعمار صلح و هزاره‌ها در افغانستان» (Frantzell ۲۰۱۱). این تحقیق، یک نمونه کامل مورد پژوهی بوده و به خوبی پارادایم صلح دولت‌محور را به چالش کشیده است. خلاصه و نتیجه این تحقیق این است که پارادایم صلح دولت‌محور با پیوند زدن امنیت داخلی به امنیت بین‌المللی، امنیت انسانی، خصوصاً امنیت گروه‌های حاشیه‌ای را نادیده گرفته است. صلح‌سازی در افغانستان یک پروژه ناقص بوده و به صلح پایدار منجر نشده است. کمک‌های بین‌المللی در ارتباط مستقیم با پروژه دولت‌سازی اعمار و صلح دولت‌محور قرار گرفته و به مناطقی سرازیر شده است که شورش و جنگ بوده است. هزاره‌جات که امن‌ترین مناطق کشور بعد از ۲۰۰۱ بوده و با تمام توان از حکومت مرکزی حمایت کرده است، از کمک‌های بین‌المللی کاملاً محروم بوده و در مورد آن‌ها، امنیت انسانی (رهایی از ترس، رهایی از نیاز، رهایی از تحقیر) به کلی نادیده گرفته است. نویسنده می‌گوید: هزاره‌جات سر جای خود، حتی در شهرهای بزرگ، از جمله پایتخت، کابل، مناطق هزاره‌نشین یکی از محروم‌ترین مناطق پایتخت بوده و هیچ پروژه مهم در آنجا اجرا نشده است.

نویسنده چهار دلیل عمده را برای محرومیت هزاره‌ها از کمک‌های بین‌المللی بیان می‌کند: الف. دسترسی سخت به هزاره‌جات (ibid: ۳۸). ب. تبعیض تاریخی علیه هزاره‌ها (ibid: ۳۹). ج. نظامی‌سازی کمک‌ها^۴ (ibid: ۴۱)؛ د. بالا به پایین بودن و مدیریت کمک‌ها توسط اعطا نمایندگان (ibid: ۴۲).

نویسنده در ادامه برای این تبعیض و محرومیت هزاره‌ها از کمک‌های بین‌المللی چند پیامد را بیان می‌کند: اولین پیامد

۱. . Annika Frantzell.

۲. . Lund University

۳. . Case Study

۴. . Militarization of Aid

محیطی، تهدید شخصی، تهدید اجتماعی و تهدید سیاسی. وقتی صلح و مفاهیم مرتبط با صلح را در زنجیره هم‌ارزی گفتمان مزارى قرار دهیم، صلح پایدار، همان صلح عادلانه است. صلحی که در آن علاوه بر نبود خشونت فیزیکی، عدالت اجتماعی، اقتصادی و اداری رعایت شده و تمام شهروندان ساکن در کشور از حقوق و امتیازات مادی و معنوی برابر برخوردار باشد. متأسفانه تلاش‌های گذشته، خصوصاً بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، برای دولت‌سازی و اعمار صلح، موفق نبوده است. دلیل عمده عدم توفیق، این بوده است که صلح و صلح‌سازی در ارتباط مستقیم با دولت‌سازی قرار گرفته است. پیامد جدی و مهم آن، امنیتی شدن مسئله صلح بوده و کمک‌های بین‌المللی به مناطق ناامن سرریز شده و به نوعی باج‌خواهی برای گروه‌های شورشی درآمده است. مناطق امن و گروه‌های قومی حامی دولت، به کلی از دسترسی به امکانات، محروم شده‌اند که نتیجه آن به هدر رفتن امکانات، فقر و بیکاری و در نتیجه ناامنی بیشتر بوده است. با توجه به آنچه در گذشته اتفاق افتاده، پیشنهادهای ذیل در مورد صلح و صلح‌سازی می‌تواند راهگشا باشد:

برای ایجاد صلح پایدار، امکانات مادی باید به صورت عادلانه توزیع و امنیت انسانی طبق برنامه توسعه سازمان ملل در ۱۹۹۴، در اولویت قرار گیرد.

حکومت و نهادهای حکومتی از انحصار یک قوم یا اقوام خاص بیرون شده و آیینی تمام‌نمای تمام اقوام ساکن در افغانستان باشد.

حقوق و ارزش‌های انسانی تمام اقوام به رسمیت شناخته شده و از تحمیل هویت یک قوم بر اقوام دیگر پرهیز شود.

شهروندان کشور بر اساس ارزش‌های و توانایی‌های شخصی خود استخدام و به کار گرفته شود نه تعلقات حزبی، سمتی، قومی و زبانی.

منابع:

۱. -----، (۱۳۹۵)، اصول روابط بین‌الملل، کابل: انتشارات دانشگاه گوهرشاد.

۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان پادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و علوم انسانی.
۳. حقیقت، صادق (۱۳۵۹)، روش‌شناسی در علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
۴. دریفوس، هیوبرت و پیل رابینو (۱۳۷۹)، مشیل فوکو فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.
۶. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، مجله علوم سیاسی، ش ۲۸.
۷. سوسور، فردیناند دو، (۱۳۸۵)، درس‌های زبان‌شناسی همگانی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه، چاپ دوم.
۸. شریفی، علیرضا، (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمانی دموکراسی در افغانستان، کابل: انتشارات دانشگاه کاتب.
۹. شریفی، محمد؛ علیرضا لکزایی (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی جنگ و صلح در قرآن و عهدین، دن: <https://civilica.com/doc/643512/> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰
۱۰. شریفی، محمد؛ علیرضا لکزایی (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی جنگ و صلح در قرآن و عهدین. در:
۱۱. الشنقیطی، (۱۳۸۹)، محمد المختار، «از جنگ مقدس تا صلح مقدس»، ترجمه سید جلال امام، مجله معرفت. در <http://marifat.nashriyat.ir/node/416> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۱۱/۷.
۱۲. شیرازی، مکارم و دیگران (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. ضیمران، محمد (۱۳۷۹)، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران: انتشارات هرمس.
۱۴. فیوری، جزوپه (۱۳۸۰)، انتونیو گرامشی: زندگی مردی انقلابی، ترجمه مهشید امیرشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۵. محمد علی حسینی زاده، (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و

- access:302021/01/
23. <https://www.raptim.org/list-of-22-ngos-keeping-peace/> date of Access: 292021/01/
24. Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security. At: <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-report-1994> date of Access: 102021/02/.
25. Huntington, Samuel, P. (1991), *The Third Wave Democratization in The Late Twentieth Century*, University of Oklahoma Press.
26. Jarstad, Annak, Timothy D. Sisk (2008) *From War to Democracy: Dilemmas of Peacebuilding*, Cambridge University Press.
27. Kelman, Herbert (1981), "Reflections on the History and States of Peace Research", *Conflict Management and Peace Studies*, V5, Issue 2.
28. Laclau, E. (and C. Mouffe), (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, Verso.
29. Morgenthau, Hans J. (1948), *Politics among Nations*, New York: Alfred A. Knopf.
30. Schirch, Lisa (2013), *Conflict Assessment and Peacebuilding Planning: Toward a Participatory Approach to Human Security*, Boulder, Kumarian Press.
31. What is Peacebuilding? At: <https://www.c-r.org/who-we-are/why-peacebuilding/what-peacebuilding>. Date of access: 292019/01/.
- تحلیل سیاسی»، مجله علوم سیاسی، ش ۲۸.
۱۶. مزاری، عبدالعلی (۱۳۷۴)، احیای هویت، (مجموعه سخنرانی‌ها)، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، انتشارات سراج.
۱۷. هوارث، دیوید، «نظریه گفتمان» ترجمه امیرمحمد حاج یوسفی، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۸.
18. Applebaum, Anna, (2008), "Fixing Failed Aid: The Chaos of Foreign Aid in Afghanistan", *Slate*, 23, September.
19. Carr, Edward Hallett, (1946) *The Twenty Years Crisis: 1919-1939* -, The Macmillan Press.
20. Frantzell, Annika (2011), *Human Security, Peacebuilding and the Hazara Minority in Afghanistan*, Sweden: Lund University.
21. Futamura, Madoca, Edward Newman & Shahrbanou Tadjbakhsh, (2010), *Toward a Human Security Approach to Peacebuilding*, United Nations University.
22. Glasius, Marlies. (2008). "Human Security From Paradigm Shift to Operationalization: Job Description for Human Security Worker". *Security Dialogue*. Vol, 39, no, 31, at: https://www.researchgate.net/profile/Marlies_Glasius/publication/240701007_Human_Security_from_Paradigm_Shift_to_Operationalization_Job_Description_for_a_Human_Security_Worker/links/55b5f9a508ae092e9655a887.pdf. Date of